

### ماهاتیر، ملازی و جامعه ایران

ماهاتیر به‌طور مشخص تبعیض‌های مثبتی برای حمایت از بومی پوترا به کار گرفت. این یکی از زخم‌های کهنه ملازی است که گروه‌های قومی بزرگ دیگر، یعنی چینی‌تبارها و هندی‌تبارها، از آن دلخورند. اگرچه این تبعیض‌ها مطلق نبودند. جبهه ملی (باريسان نئشال) که ائتلاف حاکم کشور بود، خود متشکل از سه حزب عمده مالای‌ها (آمنو) و احزاب متشکل از چینی‌تبارها و هندی‌تبارها بود و در نتیجه تمام قومیت‌های کشور نمایندگانی در صدر حاکمیت ملی داشتند و همیشه وزرا و رؤسای ارشد چینی و هندی تبار در کابینه حضور داشتند.

به‌این‌ترتیب تفوق مالای‌ها با آن مقدار از قبول اقتدار قومیت‌های دیگر همراه می‌شد که برای ثبات جامعه کفایت کند. مضاف بر آنکه رونق اقتصادی و وفور به‌حدی بود که باوجود تبعیض‌های مثبت برای مالای‌ها، عملا اقوام دیگر در دسترسی به آموزش و فرصت‌های شغلی و اقتصادی با مشکلی حاد مواجه نبودند و ایشان هم با وجود این امتیازات، وضع خود را در مقایسه با گذشته همچنان روبه‌ترقی می‌دیدند، بنابراین تبعیض‌های قومیتی در مالزی را نمی‌توان به‌هیچ‌عنوان قابل قیاس با چیزی شبیه به رژیم پورتلارا دانست. در واقع می‌شود گفت رونق و امید اجتماعی به رقابت‌های قومی و نژادی مجال اندکی می‌داد که به محملی برای محرومیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تبدیل شوند. از دیگر سو این پیشرفت‌های سریعی که «پدر مدرنیزاسیون» ملازی به آنها دست یافت، به تصمیمات قاطع و وحدتی در مدیریت نیاز داشت که احتمالا بر فرآیندهای دموکراتیک تصمیم‌گیری و مدیریت تأثیر مثبتی نداشتند. در حقیقت انتقادهایی از استبداد رای و سرکوبگری سیاسی در زمان تصدی ماهاتیر علیه او مطرح شده است. سرکوبگری‌ها و نارواداری‌هایی که حتی گریبان نزدیکن سیاسی او از جمله معاون خودش، انور ابراهیم را هم گرفت. در کوچه و خیابان و در مراوده با افراد غریبه انتقاد سیاسی آخرین چیزی بود که ممکن بود مطرح شود. کوئی دوری از مباحث سیاسی صریح و ابراز مخالفت آشکار به‌نوعی در عرصه عمومی نهادهینه شده بود، به‌طوری‌که وقتی از یکی از دوستان در مکانی عمومی راجع به اختلافات سیاسی، حتی بین احزاب رسمی، سؤال کردم، او نگاهی به اطراف انداخت و به آهستگی گفت، بگذار بعداً در جای دیگری دراین‌باره صحبت کنیم. گویی مایل نبود که باوجود این تعارضات در چشم بقیه به‌عنوان معترض سیاسی جلوه کند. پس از دوران ماهاتیر، او هیچ‌گاه از عرصه سیاسی به‌طورکامل غایب نبود و هرازچندی نظرات و انتقادات «دکتر ام» (ابتدای نام ماهاتیر) در رسانه‌ها و روزنامه‌ها منتشر می‌شد، به‌ویژه در این اواخر مسئله فساد در دستگاه دولتی امری بود که او بارها به آن می‌پرداخت. از موارد نادری که در گفت‌وگو با مالزیایی‌ها به مسائل سیاسی می‌رسیدیم، موضوع فساد یکی از مواردی بود که طرح می‌شد. مردی که در یک میهمانی او را ملاقات کردم و به‌وروکراتی تحصیل‌کرده بود، تأکید می‌کرد «اگر فساد در دولت نباشد، همه‌چیز درست خواهد شد، به‌رحال هر دولتی به‌دنبال ایجاد توسعه و رفاه است.» برای من جالب بود که موضوعاتی مثل سوم‌دریت، با نبود اجماع سیاسی بر سر وظیفه دولت، برای ایشان چندان موضوعیت نداشت. گویی تکلیف دولت معلوم است و تنها لازم است فساد باعث هزرفتن منابع نشود. شاید

همین اجماع بر سر مفهوم توسعه و وظیفه دولت، چیزی است که زمینه پیشرفت سرراست ملازی در راه توسعه را ایجاد کرده و وضعیت ما در ایران را در وضعیت جدال بر سر مبانی و معنی توسعه متوقف کرده است. آنچه گفتیم مقدمه‌ای بود برای داعیه اهمیت و معنای قابل‌توجه بازگشت ماهاتیر محم به قدرت. البته نه اینکه وقایع خاورمیانه و داستان برجام مهم نباشند. قطعاً بیش از مهم، این وقایع برای ما دلالت‌های حیاتی و ملموسی دارند که مربوط به جان، مال، امنیت و امید مردم هستند، ولی چالش‌های این منطقه سال‌ها و بلکه دهه‌هاست که وجود دارند، گویی به بخش جدانشدنی زندگی در این بخش دنیا تبدیل شده‌اند. نفی و تضاد متقابل گروه‌های متعارض که امید سلطه مطلق بر دیگری را در سر دارند باعث می‌شود طلیعه هیچ پیشرفت و تجلی افقی جدید مشاهده نشود. آنچه دیده می‌شود تکرار مکرر تخصص گروه‌های آشتی‌ناپذیر و تقابل مداوم و بی‌نتیجه است. چیزی که برخی صاحب‌نظران در ادبیات علوم اجتماعی از آن به «گیرافتادگی» یا عدم تحرک وجودی تعبیر می‌کنند. اگرچه ارزیابی این امر همچنان باقی است که ماهاتیر تا چه حد آماده است که این حرکت به مرحله جدید را نمایندگی کند. دال مرکزی گفتمان ماهاتیر آن‌گونه که در کتابش با عنوان محصمه مالای‌ها (The Malay Dilemma) در سال ۱۹۷۰ قابل مشاهده است نوعی فرض‌گرفتن حق مالای‌ها برای برتری سیاسی و اقتصادی، البته با تلاش برای نگه‌داشتن هماهنگی قومی در کشور است. چیزی که منتقدانش به‌عنوان شوینرم و برتری‌جویی مالایی از آن انتقاد کرده‌اند. سوال این است که آیا او آماده است که جایگاه این دال را در گفت‌وگفتاش تغییر دهد، یا با حفظ جایگاه مرکزی آن در درون گفتمانش این تعارض را همچنان باقی می‌گذارد؟ و سؤال دیگر اینکه آیا او می‌تواند با این حرکت جدید باز هم چنان چشم‌انداز نوین و امیدی ایجاد کند که مسائل قومی و نژادی از حیز اهمیت و ضرورت بیفتند؟

**شرق:** رئیس اتاق بازرگانی ایران و گرجستان روز گذشته اعلام کرد، برخی حساب‌های تجار ایرانی در گرجستان بلوکه شده است و اجازه افتتاح هیچ حساب جدیدی به آنها داده نمی‌شود. این خبر در روزهایی که نگرانی وضع تحریم‌های اقتصادی در بین فعالان اقتصادی جدی شده و بسیاری از آنها در انتظار موضع‌گیری قطعی اتحادیه اروپا برای ماندن در برجام هستند، بسیار مهم است. آیا تحریم‌های اقتصادی در کشورهای اروپایی آغاز شده؟ آیا انسداد حساب‌های ایرانیان در گرجستان نقطه شروعی برای تکرار این رخداد در دیگر کشورهای اروپایی است؟ فاطمه مقیمی، رئیس اتاق بازرگانی ایران و گرجستان، امیدوار است با پیگیری از طریق سفارت ایران در گرجستان این مشکل حل شود اما محمود دودانگه، معاون سابق وزیر صنعت، معدن و تجارت، از انسداد حساب‌ها را بیشتر از اینکه به تحریم‌های اقتصادی آمریکا مرتبط بداند، معتقد است به‌دلیل رعایت‌نکردن ضوابط FATF (مبارزه با پول‌شویی و حمایت مالی از تروریسم) است.

**ایران درگیر تحریم‌های غیرهسته‌ای**

به گزارش «شرق»، سیده‌فاطمه مقیمی، رئیس اتاق بازرگانی ایران و گرجستان، درباره بلوکه‌شدن حساب تجار ایرانی در گرجستان به پژوهشکده پولی و بانکی گفته است: این مسئله را پیگیری کرده‌ایم، اما به‌صورت مبهم جواب دادند که تعدادی از حساب‌های ایرانیان مسدود شده و همچنین فعلاً به‌دلالی، اجازه افتتاح حساب جدید را نمی‌دهند.

او اضافه کرده است: بسیاری از موارد به‌دلیل بحث اقامتی و مهاجرتی بوده که در حال بررسی است، توجیه به اینکه اتحادیه اروپا تحریم‌ها را تأیید نکرده، انتظار می‌رود این مسئله حل شود که به عنوان اعتراض این موضوع را اعلام کردیم. همچنین با سفارت ایران در گرجستان صحبت کردیم و قرار شد که پیگیری بیشتری داشته باشند و اعلام نتیجه کنند.

فاطمه مقیمی گرچه دلیل انسداد حساب ایرانیان در گرجستان را وضع تحریم‌های اقتصادی آمریکا بعد از خروج از برجام گمانه‌زنی کرده بود، اما در توضیحات تکمیلی به «شرق» گفت: بعد از پیگیری‌های سفارت ایران در گرجستان متوجه شدیم حساب ایرانیان در گرجستان به‌دلیل رعایت‌نکردن ضوابط FATF بوده و نه تحریم‌های اقتصادی مربوط به برجام. او اضافه کرد: باتوجه به اینکه ۱۸۰روز به مهلت وضع تحریم‌های اقتصادی خروج آمریکا از برجام باقی مانده و اتحادیه اروپا نیز تا این لحظه هیچ اطلاعیه‌ای مبنی بر خروج از برجام ارائه نداده است، علت انسداد حساب ایرانیان در کشور اروپایی گرجستان برای ما بسیار مبهم بود. ابتدا حدس ما این بود که گرجستان تحریم هسته‌ای علیه ایران را آغاز کرده اما بعد مطلع شدیم، بلوکه‌شدن حساب ایرانیان در این کشور به‌دلیل رعایت‌نکردن ضوابط FATF بوده است.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و گرجستان تأکید کرد: با توجه به اینکه اتحادیه اروپا تحریم‌ها را تأیید نکرده،

انتظار می‌رود این مسئله حل شود که به عنوان اعتراض این موضوع را اعلام کردیم. همچنین با سفارت ایران در گرجستان صحبت کردیم و قرار شد که پیگیری بیشتری داشته باشند و اعلام نتیجه کنند.

فاطمه مقیمی گرچه دلیل انسداد حساب ایرانیان در گرجستان را وضع تحریم‌های اقتصادی آمریکا بعد

## اقتصاد

دودانگه از قطع همکاری برخی بانک‌ها با ایران به دلیل رعایت نکردن ضوابط FATF گفت

# حساب ایرانیان در گرجستان بلوکه شد



او ادامه داد: گرچه آمریکا از برجام خارج شده اما سه ماه فرصت به وضع تحریم‌ها و الزام و تعهد کشورها به آن باقی مانده است؛ ضمن اینکه اروپا همچنان به برجام متعهد است و اگر تحریمی هم وضع شود بعد از اعلام موضع قطعی اروپا و گذشت فرصت ۱۸۰روزه آمریکا‌ست.

دودانگه تأکید کرد: بنابراین تنها دلیلی که می‌توان برای این تصمیم گرجستان مبنی بر مسدودکردن حساب ایرانیان برشمرد، رعایت ضوابط FATF است. در همین زمینه نظر کازم دوست‌حسینی، عضو کمیسیون بازرگانی اتاق بازرگانی تهران، را نیز جویا شدیم؛ اینکه تحریم‌های اقتصادی آمریکا و همچنین تحریم‌های مبتنی بر عدم الحاق ایران به قرارداد بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و حمایت مالی از تروریسم، چه موانعی بر سر مراودات بین‌المللی تجار ایرانی می‌گذارد. او توضیح داد: در کشورهایی که سطح نفوذ آمریکا بالاست، ممکن است این کشورها زودتر از مهلت سه‌ماهه اقدام به تحریم ماکنند. تجربه تحریم‌های اقتصادی سال‌های ۸۵ و ۸۶ نیز نشان می‌دهد زمانی که وضع تحریم‌ها هنوز در حد تهدید بود، بسیاری از کشورهای تحت نفوذ آمریکا زودتر از موعد ایرانیان دارندگان حساب‌های خارجی را تحریم کردند.

**کشورهای تحت ضوابط FATF ما را حذف می‌کنند**

محمود دودانگه، معاون سابق وزیر صنعت، معدن و تجارت، نیز این گفته فاطمه مقیمی را تأیید کرد و به «شرق» گفت: در گرجستان تعداد زیادی از ایرانیان حضور دارند و مبادلات مالی چشم‌گیری انجام می‌دهند. اما نکته‌ای که در خصوص این اتفاق وجود دارد این است که شفافیت حساب‌ها در گرجستان بسیار دقیق است و مبدأ مبادلات باید روشن و شفاف باشد.

## ۲ هفته زمان تا تعیین تکلیف قراردادهای هواپیمایی باقی است

## آغاز دور جدید مذاکرات با ایرباس

شروع مذاکرات برای شرایط جدید هستند. فخریه‌کاشان از احتمال ورود چند فرزند هواپیمای جدید ای‌تی‌آر خبر داد و گفت: شرکت فرانسوی- ایتالیایی ای‌تی‌آر اعلام کرده است که می‌تواند تعدادی هواپیمای در طول سسه ماه آینده به ایران‌ایر تحویل دهد و در حال تأمین اعتبارات برای تحویل هواپیمای ای‌تی‌آر هستیم. او با تأکید بر اینکه اولویت اول روشن‌کردن تکلیف قراردادهای موجود با شرکت‌های اروپایی ایرباس و ای‌تی‌آر است، ادامه داد: یکی از خواسته‌هایمان از شرکت‌ها این است که قراردادهای موجود معتبر باقی بمانند. شرکت‌های اروپایی هم برای برآورد این خواسته ما به دنبال چاره‌جویی و راه‌حل هستند. مشاور وزیر راه‌وشهرسازی با بیان اینکه خروج از قرارداد فروش هواپیمای به ایران در اختیار ایرباس نیست و تصمیمی است که دولت‌ها می‌گیرند، اظهار کرد: تمام ریسک‌های خروج ایرباس از قرارداد را پیش‌بینی کرده بودیم که اگر ایرباس بخواهد از قرارداد خارج شود، متحمل پرداخت خسارت و جریمه به ایران‌ایر شود و در هر شرایطی آسیبی به پول ایران وارد نشود. او درباره تصمیم‌گیری در شرایط جدید برای قراردادهای خرید هواپیمای جدید اظهار کرد: در ابتدا باید تکلیف‌مان را با شرکت‌های اروپایی روشن کنیم. باید توجه داشته باشیم که این مشکل را نه ایرباس و نه ای‌تی‌آر ایجاد نکرده‌اند. این مشکل را دیوانه‌ای به نام ترامپ ایجاد کرده است و حالا اروپایی‌ها به دنبال راهکارهایی برای جبران این تصمیم دولت آمریکا هستند. فخریه‌کاشان تأکید کرد: تا دو هفته آینده تکلیف قراردادهای خرید هواپیمای جدید با شرکت‌های اروپایی

### بازتاب

## پروژه فولاد احمدی‌نژاد یا طرح ۳۵ساله

فولادسازی به ظرفیت ۱/۸ میلیون تن در سال را بررسی کنند. در سال ۱۳۶۸ با پایان‌یافتن مطالعات مهندسی و مکان‌یابی توسط شرکت «کوبه‌استیل ژاین»، محل اجرای طرح در ۱۵کیلومتری شمال غرب شهرستان نیشابور تعیین شد. عملیات اجرایی و نصب تجهیزات مجتمع فولاد خراسان در خرداد ماه ۱۳۷۶ با حضور رئیس‌جمهور محترم وقت حضرت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی آغاز شد. سرانجام در ۳۱ خرداد ماه سال ۱۳۸۰ واحد نورد مقاطع ساختمانی به ظرفیت ۵۵۰ هزار تن توسط رئیس‌جمهور محترم وقت افتتاح و راه‌اندازی شد و در بهمن ماه همان سال واحد ذوب و ریخته‌گری به ظرفیت ۶۳۰ هزار تن با حضور وزیر محترم صنایع و معادن جناب آقای مهدس فولاد هاشنگیری به بهره‌برداری رسید. همچنین مدول یک واحد احیای مستقیم به ظرفیت ۸۰۰ هزار تن، در بهمن ماه سال ۱۳۸۸ به دست ریاست‌جمهور محترم وقت و مدول شماره ۱۲ احیای مستقیم در سال ۱۳۸۹ با حضور معاون اول رئیس‌جمهور وقت به بهره‌برداری رسید. این مجتمع فولاد خراسان (واقع در نیشابور که متفاوت از فولاد سبزوار است) به سال ۱۳۶۲ بازمی‌گردد؛ وجود معادن غنی در منطقه خراسان، برنامه‌های توسعه کشور و نیز به دلیل هم‌جواری با کشورهای افغانستان و آسیای میانه، برنامه‌ریزان و مسئولان صنعتی کشور را بر آن داشت تا در سال ۱۳۶۲ با مطالعه همه‌جانبه در استان خراسان، امکان استقرار یک مجتمع بزرگ و واحد کنده‌سازی به ظرفیت ۲/۵ میلیون تن در سال

او اضافه کرد: در شرایط فعلی ما با کشورهایی مانند امارات هم روبه‌رو هستیم که مدت‌ها بود مترصد فرصتی برای تحریم ایران بودند و نیاز چندانی به تهدید ترامپ نداشتند.

انسداد حساب ایرانیان در گرجستان تنها اقدام تحریمی این بانک نبوده است؛ بانک «تی‌بی‌سی» گرجستان نیز، به‌تازگی با صدور بخش‌نامه‌ای، انجام هرگونه تراکنش بانکی برای ایرانیان بدون کارت اقامت آنها ممنوع کرده است. براین‌اساس درحال حاضر حساب کسانی که قبلاً در این بانک حساب داشتند و کارت اقامت آنها آماده نیست، بلوکه شده است. همچنین گرجستان اخیراً مقررات اقامت اتباع خارجی را نیز در این کشور سخت‌تر کرده و در حال تدوین قانون جدیدی است که سراسر آن مجوز اقامت دائمی به آن عده از اتباع خارجی داده می‌شود که در ۱۰ سال اخیر در گرجستان اقامت داشته باشند.

همه اینها را در کنار هم بگذاریم، متوجه ضرورت الحاق ایران به FATF می‌شویم. به گفته وزارت اقتصاد به عنوان متولی این امر، مشکل عدم الحاق ایران، نه سیاسی بلکه فنی است. سال گذشته بعد از مذاکرات ایران با گروه ویژه اقدام مالی، ایران به‌مدت یک سال از لیست سیاه پول‌شویی خارج شد اما این تعلیق نتوانست دائمی شود. تصویب دو لایحه زیرساختی برای الحاق به FATF در مجلس شورای اسلامی به‌قدری زمان‌بر شد که به زمان نهایی فرصت FATF نرسید و درنهایت با رایزنی‌های وزارت اقتصاد FATF تعلیق ایران را به مدت شش ماه دیگر نیز تمدید کرد. از این فرصت شش‌ماهه حدود چهار ماه بیشتر باقی نمانده است، یکی از لوايح مبارزه با پول‌شویی به‌صورت ناقص (سه ماده از چهار ماده) تصویب شده و یکی‌دیگر از لوايح نیز در دست بررسی است. اتفاقی که درحال‌حاضر در گرجستان افتاده است نشان می‌دهد، برخلاف اظهارات منتقدان دولت و اقدامات آن برای الحاق به FATF سرمشباً تحریم‌های ایران فقط هسته‌ای نیست و در روزهایی که ایران به‌دنبال راه‌های جایگزین برای انجام مراودات مالی و بانکی بین‌المللی بدون آمریکا‌ست، رعایت ضوابط FATF و دائمی‌شدن خروج ایران از لیست سیاه پول‌شویی تا چه حد ضروری و راهگشاست.

● نگاه صرفاً امنیتی به مرزها، از بروز هرگونه خلاقیت و نوآوری در بهره‌برداری از استعدادها و منابع انسانی و طبیعی مناطق مرزی، ممانعت به عمل آورده و می‌آورد. آمارها نشان می‌دهند که بیشترین میزان بی‌کاری متعلق به استان‌های اعتیاد، طلاق و سایر آسیب‌های اجتماعی در این مناطق که نشان از نداشتن برنامه صحیح و نبود عدالت اجتماعی درخصوص مناطق مرزنشین دارد، توزیع نامناسب درآمد‌های ملی میان استان‌های کشور، بی‌توجهی به پتانسیل‌ها و مزیت‌های اقتصادی هر منطقه، در کنار مدیریت ناکارآمد و سلیقه‌ای، موجبات عقب‌ماندگی و فقیرشدن مناطق مختلف کشور به‌ویژه استان‌های مرزی را فراهم آورده است.

ساکنان مرزهای غربی کشور، به‌دلیل درگیری مستقیم در جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق علیه ایران، فقر و محرومیت بیشتری را تجربه کرده و با آن دست به گریبانند. عدم مدیریت صحیح در گسترش عدالت اجتماعی و رفع محرومیت‌ها در این مناطق، بر استحکام فرضیه تأثیر مستقیم جبر جغرافیایی بر محرومیت از اذهان شهروندان مرزنشین، افزوده است.

بدون‌شک این نگاه جبرگرایانه، موجب تأمیدی از مدیریت کشور را فراهم خواهد نمود و بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی خواهد افزود.

به‌دلیل مشکلات معیشتی در مناطق مرزی شهروندان این مناطق، از پیر تا جوان، بر آن شده‌اند تا برای امرارمعاش دل به خطر و تن به بار سنگین بینارند.

بسیاری از ساکنان مناطق مرزی در استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی برای تأمین هزینه حداقل مایحتاج اولیه زندگی، به امر کولبری روی آورده‌اند؛ کاری سه دشوار و پرخطر. عبور از رشته‌کوه‌های صعب‌العبور، سرما، مین‌های منظر و رودخانه‌های خروشان.

بالغ بر ۸۰ هزار نفر به کولبری مشغول هستند. در نظرگرفتن بُعد خانوار، نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر عضو خانواده کولبران)، و چند میلیون کسبه، صنف و بازاری تحت‌تأثیر مستقیم و غیرمستقیم کولبری قرار دارند.

آمارهای رسمی و غیررسمی سالانه نشان از مرگ تعداد زیادی هم‌وطنان کولبر در مناطق مرزی دارد. براساس گزارش منتشرشده در سال ۱۳۹۱، آمار حوادث یک سال کولبران ۷۴ مورد مرگ و ۷۶ مورد مجروح بوده است.

برخی از این افراد با شلیک کلوله و عده‌ای نیز بر اثر سرما یا انفجار مین یا سایر حوادث جان خود را از دست داده‌اند.

سسن این افراد بین ۱۳ تا ۷۰ساله اعلام شده. گفته می‌شود بعضی از کولبرها نیز زیر فشارهای وارده به‌ویژه آنکه به کالاهایشان ضبط شده، خودکشی کرده‌اند.

در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۵۴ کولبر در حوادث مختلف تیراندازی، انفجار مین، سرما و… کشته یا زخمی شده‌اند.

در سال ۹۶ همین آمار تکرار شده است. جالب آنجاست‌که در دل دولت، نگاه‌های متفاوت و متضادی حاکم است. وزارت کشور و ستاد فرماندهی هنگ مرزی، نگاه امنیتی دارند و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نگاه حمایتی. همین جهت‌گیری‌های متضاد موجب شده است تا وحدت رویه‌ای در ساماندهی توانمندسازانه کولبران صورت نگیرد.

در مجلس شورای اسلامی نیز وضع بر همین منوال است. با وجود پیگیری جدی و دلسوزانه برخی نمایندگان از موضوع و معضلات معیشتی کولبران، تاکنون نتیجه‌ای به نفع کولبران حاصل نشده است. طرح‌های مختلفی پیشنهاد شده است، ازجمله ایجاد مناطق آزاد در برخی مناطق مرزی، بیمه‌کردن کولبران، تخفیف گمرکی به کولبران برای تشویق و هدایت آنان به عبورومرور از مرزهای قانونی کشور و… اما آنچه تاکنون مشهود است، بسته‌شدن مسیر عبورومرور کولبران و فراهم‌آوردن مشکلات عدیده برای آنان بوده است.

همه مسئولان باید به این امر واقف باشند که موضوع کولبران مسئله‌ای ملی است و نه قومی و محلی، ریزگرد‌ها، کولبری، دریاچه ارومیه و…

مسائلی ملی هستند و حل این مسائل، اراده، تصمیم، مشارکت و دلسوزی ملی و همگانی را می‌طلبد.

بدون‌شک راه‌حل باید اساسی و بنیادی باشد. به گونه‌ای که هم معیشت کولبران تأمین شود، هم امنیت مرزها (به کمک خود مرزنشینان) فراهم آید و هم شان شهروندان کولبر و خانواده‌هایشان حفظ شود چراکه معتقدیم منشور انقلاب و قانون اساسی ما برای کشور، امنیت پایدار، برای شهروندان معیشت تأمین‌شده و شایانیت والا را هدف قرار داده، واضح است که توسعه کشور به‌دور از رضایت شهروندان و امنیت شغلی برای همه فراهم نخواهد آمد.

### کولبری

### دردی مشترک ومسئله‌ای ملی

**شهریار احمدیجی**، **کارشناس حوزه رفاه**

● نگاه صرفاً امنیتی به مرزها، از بروز هرگونه خلاقیت و نوآوری در بهره‌برداری از استعدادها و منابع انسانی و طبیعی مناطق مرزی، ممانعت به عمل آورده و می‌آورد. آمارها نشان می‌دهند که بیشترین میزان بی‌کاری متعلق به استان‌های اعتیاد، طلاق و سایر آسیب‌های اجتماعی در این مناطق که نشان از نداشتن برنامه صحیح و نبود عدالت اجتماعی درخصوص مناطق مرزنشین دارد، توزیع نامناسب درآمد‌های ملی میان استان‌های کشور، بی‌توجهی به پتانسیل‌ها و مزیت‌های اقتصادی هر منطقه، در کنار مدیریت ناکارآمد و سلیقه‌ای، موجبات عقب‌ماندگی و فقیرشدن مناطق مختلف کشور به‌ویژه استان‌های مرزی را فراهم آورده است.

ساکنان مرزهای غربی کشور، به‌دلیل درگیری مستقیم در جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق علیه ایران، فقر و محرومیت بیشتری را تجربه کرده و با آن دست به گریبانند. عدم مدیریت صحیح در گسترش عدالت اجتماعی و رفع محرومیت‌ها در این مناطق، بر استحکام فرضیه تأثیر مستقیم جبر جغرافیایی بر محرومیت از اذهان شهروندان مرزنشین، افزوده است.

بدون‌شک این نگاه جبرگرایانه، موجب تأمیدی از مدیریت کشور را فراهم خواهد نمود و بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی خواهد افزود.

به‌دلیل مشکلات معیشتی در مناطق مرزی شهروندان این مناطق، از پیر تا جوان، بر آن شده‌اند تا برای امرارمعاش دل به خطر و تن به بار سنگین بینارند.

بسیاری از ساکنان مناطق مرزی در استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی برای تأمین هزینه حداقل مایحتاج اولیه زندگی، به امر کولبری روی آورده‌اند؛ کاری سه دشوار و پرخطر. عبور از رشته‌کوه‌های صعب‌العبور، سرما، مین‌های منظر و رودخانه‌های خروشان.

بالغ بر ۸۰ هزار نفر به کولبری مشغول هستند. در نظرگرفتن بُعد خانوار، نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر عضو خانواده کولبران)، و چند میلیون کسبه، صنف و بازاری تحت‌تأثیر مستقیم و غیرمستقیم کولبری قرار دارند.

آمارهای رسمی و غیررسمی سالانه نشان از مرگ تعداد زیادی هم‌وطنان کولبر در مناطق مرزی دارد. براساس گزارش منتشرشده در سال ۱۳۹۱، آمار حوادث یک سال کولبران ۷۴ مورد مرگ و ۷۶ مورد مجروح بوده است.

برخی از این افراد با شلیک کلوله و عده‌ای نیز بر اثر سرما یا انفجار مین یا سایر حوادث جان خود را از دست داده‌اند.

سسن این افراد بین ۱۳ تا ۷۰ساله اعلام شده. گفته می‌شود بعضی از کولبرها نیز زیر فشارهای وارده به‌ویژه آنکه به کالاهایشان ضبط شده، خودکشی کرده‌اند.

در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۵۴ کولبر در حوادث مختلف تیراندازی، انفجار مین، سرما و… کشته یا زخمی شده‌اند.

در سال ۹۶ همین آمار تکرار شده است. جالب آنجاست‌که در دل دولت، نگاه‌های متفاوت و متضادی حاکم است. وزارت کشور و ستاد فرماندهی هنگ مرزی، نگاه امنیتی دارند و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نگاه حمایتی. همین جهت‌گیری‌های متضاد موجب شده است تا وحدت رویه‌ای در ساماندهی توانمندسازانه کولبران صورت نگیرد.

در مجلس شورای اسلامی نیز وضع بر همین منوال است. با وجود پیگیری جدی و دلسوزانه برخی نمایندگان از موضوع و معضلات معیشتی کولبران، تاکنون نتیجه‌ای به نفع کولبران حاصل نشده است. طرح‌های مختلفی پیشنهاد شده است، ازجمله ایجاد مناطق آزاد در برخی مناطق مرزی، بیمه‌کردن کولبران، تخفیف گمرکی به کولبران برای تشویق و هدایت آنان به عبورومرور از مرزهای قانونی کشور و…

اما آنچه تاکنون مشهود است، بسته‌شدن مسیر عبورومرور کولبران و فراهم‌آوردن مشکلات عدیده برای آنان بوده است.

همه مسئولان باید به این امر واقف باشند که موضوع کولبران مسئله‌ای ملی است و نه قومی و محلی، ریزگرد‌ها، کولبری، دریاچه ارومیه و… مسائلی ملی هستند و حل این مسائل، اراده، تصمیم، مشارکت و دلسوزی ملی و همگانی را می‌طلبد.

بدون‌شک راه‌حل باید اساسی و بنیادی باشد. به گونه‌ای که هم معیشت کولبران تأمین شود، هم امنیت مرزها (به کمک خود مرزنشینان) فراهم آید و هم شان شهروندان کولبر و خانواده‌هایشان حفظ شود چراکه معتقدیم منشور انقلاب و قانون اساسی ما برای کشور، امنیت پایدار، برای شهروندان معیشت تأمین‌شده و شایانیت والا را هدف قرار داده، واضح است که توسعه کشور به‌دور از رضایت شهروندان و امنیت شغلی برای همه فراهم نخواهد آمد.